

مواجهه دینی اسلام و اهل کتاب در عصر نبوی ﷺ

سید رضا موسوی
عضو حلقه علمی تاریخ اسلام

چکیده: بی‌شک ظهور اسلام با وجود اعتقادات و ادیان متعدد در جامعه بشری روبرویی‌های بسیاری را به دنبال داشت. اگر چه ابتدا تصور می‌شد که اهل کتاب با توجه به برخورداری از خاستگاهی الهی - هر چند تحریفات و بدعت‌ها آنان را به دوری از حقیقت گرفتار آورده بود - و نیز بشارت متعدد تورات و انجیل به ظهور پیامبر ﷺ، سریع‌تر از همه گروه‌ها پذیرای آیین اسلام باشند، اما مطالعه و بررسی رویدادهای عصر پیامبر ﷺ خلاف این مسئله را می‌نمایاند. در این اثر، فارغ از بررسی مواجهات نظامی و سیاسی که بارها مورد بحث قرار گرفته به روبرویی‌های دینی و عقیدتی اسلام و اهل کتاب در عصر نبوی ﷺ می‌پردازیم و با تبیین واکنش اهل کتاب نسبت به پیامبر ﷺ به چرایی این موضع‌گیری اشاره می‌نماییم. در ادامه نیز برخورد متقابل پیامبر ﷺ با آنها را از نظر می‌گذرانیم و همچنین استراتژی‌های قوم یهود را برای به چالش کشیدن پیامبر ﷺ و مسلمانان، از قبیل سازماندهی درونی و ایجاد وحدت در مبارزه و ایجاد شک و تردید در بین مسلمانان و ... بررسی می‌کنیم.

کلیدواژگان: مواجهه، اسلام، اهل کتاب، پیامبر ﷺ، یهود، مسیحیت.

مقدمه

یقوت توحید از جامعه بشری رخت بر بسته بود. تحریفات و بدعت‌ها نه تنها در

میان بت پرستان مکه که حتی از سوی ادیان بزرگ الهی (همچون آیین حضرت موسی و عیسی علیه السلام) بشریت را از یکتاپرستی دور کرده بود. البته گروه اندکی از انسان‌ها برای رسیدن به حقیقت لحظه شماری می‌کردند، اما اکثریت قریب به اتفاق آنها در جهل مرکب خویش گرفتار آمده و در باتلاق شرک و گمراهی دست و پا می‌زدند. در چنین شرایطی خورشید تابناک اسلام در میان تنوع ادیان و اعتقادات بشری طلوع نمود و با ادعای نجات بشر از جهل و گمراهی همگان را به سوی توحید و یکتاپرستی فراخواند. اما متأسفانه از همان آغاز دعوت اسلام گروه‌های مختلفی به مخالفت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته و در برابر عظمت و حقیقت پیام اسلام ایستادگی نمودند. این ایستادگی و مخالفت نه تنها در میان بت پرستان مکه که نخستین مخاطبان محمد صلی الله علیه و آله و سلم در اولین مراحل دعوت بودند، بلکه در میان پیروان دیگر ادیان نیز به خوبی قابل مشاهده است.

بی‌تردید با بررسی وضعیت این گروه‌ها و واکنش آن‌ها نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آیین والای اسلام به وضعیت ویژه اهل کتاب در این زمینه پی خواهیم برد. مطالعه تاریخ زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آشنایی با رویارویی‌های بسیار ایشان با اهل کتاب و از سوی دیگر بررسی آیات متعدد قرآن که درباره مواجهه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با این گروه نازل گردیده، حقیقت امر را نمایان خواهد ساخت.

اینک سزاوار است فارغ از بررسی رویارویی‌های نظامی و برخوردهای سیاسی این دو گروه که بارها پژوهش‌گران صاحب‌نظر آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند، رویارویی‌های اعتقادی اسلام و اهل کتاب در عصر نبوی صلی الله علیه و آله و سلم را که کم‌تر مورد اقبال و توجه واقع شده بررسی نموده، واکنش متقابل این دو گروه را در اولین مراحل شکل‌گیری دعوت اسلامی به تصویر درآوریم.

با اشاره‌ای کوتاه به اوضاع اهل کتاب در طلیعه ظهور اسلام به بررسی واکنش آنها نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته و متقابلاً عملکرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر آنها را از نظر خواهیم گذراند؛ به امید روزی که پیام نجات‌بخش اسلام در سراسر گیتی تشنگان معرفت را سیراب نماید.

اهل کتاب قبل از ظهور اسلام

واکاوی وضعیت اهل کتاب برای شناخت وضعیت اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و ... نماید؛ چرا که آگاهی از این مسائل ما را در درک

بهتر علل رویارویی‌های اهل کتاب با اسلام و نیز مشکلات فراروی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ارشاد و هدایت آنها یاری نموده و ارزیابی بهتر از نتایج به دست آمده را در پی خواهد داشت.

یهود

آیین یهود کش و قوس‌های فراوانی را از جهات مختلف به خود دیده است. آیین حضرت موسی علیه السلام چه از نظر کمیت و آمار پیروان آن و چه از لحاظ کیفی دست‌خوش تغییر و تحولات فراوانی گردیده است. نگاهی به انشعابات این آیین و نیز اختلاف آمار در پیروان آن در دوره‌های مختلف، تبیین‌کننده این حقیقت است.

در واقع یهودیان از جمله اقوام و مللی هستند که همیشه در طول تاریخ در تمام عصرها و نسل‌ها ساز مخالف زده و در برابر پیام بر حق پیامبران خدا ایستاده‌اند و با نمایان ساختن کینه، حسادت و لجاجت خود تا عصر حاضر، هر روزه صفحه‌تاریک نوینی را در اعماق تاریخ به یادگار نهاده‌اند. خداوند متعال نیز در قرآن کریم بارها به این صفات اشاره نموده است.

تاریخ تاریک یهودیان در طول قرن‌های متمادی صاحب‌نظران مختلف را به جبهه‌گیری در مقابل آنان فرا خوانده است.

«علاّمه طباطبایی نیز در این باره می‌نویسد: «... بنی اسرائیل مردمی فرورفته در مادیات بودند و جز لذایذ مادی و صوری به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند. امتی بودند که جز در برابر لذات و کمالات مادی تسلیم نمی‌شدند و به هیچ حقیقتی از حقایق ماورای حسی ایمان نمی‌آوردند، آن چنان که امروزه هم همین‌طور است.»^۱

برای آشنایی بیشتر با قوم یهود از سه زاویه می‌توان آنان را مورد بررسی و کاوش قرار داد: ۱. اعتقاد به دین و پرستش خداوند متعال؛ ۲. عملکرد آنان در برابر پیامبران الهی؛ ۳. اعتقاد به برتری قوم یهود.

اعتقاد به دین و پرستش خداوند متعال

نگاهی به تاریخ قوم یهود در این زمینه ما را به وضعیت نابه‌سامان و نگرش سطحی و غیر منطقی قوم یهود در باب دین و پرستش آفریدگار رهنمون خواهد ساخت.

۱. محمدعلی حسین‌زاده، سیری در مکتب یهود، ص ۳۰۲، به نقل از: علاّمه طباطبایی، المیزان، ذیل آیه ۷۴

پرفسور عبدالاحد داوود در کتاب «محمد ﷺ در تورات و انجیل» در این باره می‌نویسد: «چنین می‌نماید که یهودیان به‌ویژه توده‌های یهودی هرگز در باب خدا و دین به مفاهیم استواری که مسلمانان از الله و اسلام دارند، دست نیافته‌اند. آنان هرزمان که وضع مادی زندگی‌شان بهبود پیدا می‌کرد، یا در جنگ‌ها پیروز می‌شدند، فوراً یهوه را مجدداً به رسمیت می‌شناختند و پرستش او را آغاز می‌کردند و آن‌گاه که با شرایط نامطبوع و اوضاع ناهموار روبه‌رو می‌شدند، یهوه را دور می‌انداختند و به الهه قوم نیرومندتر و کامیاب‌تری رو می‌آوردند و اصنام و تماثیل آن قوم را پرستش می‌کردند.»^۱

ویل دورانت نیز در این زمینه می‌نویسد: «بنی اسرائیل قومی همه چیز پرست بودند که از اجنه هوا گرفته تا سنگ، چهارپا، گوسفند، ارواح و ... را می‌پرستیدند که حتی در زمان حضرت موسی نیز از پرستش مجسمه گوساله دست برنداشتند.»^۲ گفتنی است همان‌گونه که در قرآن کریم نیز اشاره شده قوم بنی اسرائیل حتی در زمان حضرت موسی ﷺ نیز از او درخواست نمودند تا خداوندی مانند بت‌های مشرکان برای آنان بسازد تا آن را پرستش نمایند.^۳ چنان‌که مدتی نیز گوساله‌پرستی اختیار نمودند.

عملکرد آنان در مقابل پیامبران

بیشتر انبیاء در میان قوم بنی اسرائیل برانگیخته شدند، اما آنها هدایت را به ضلالت فروختند و با خیره‌سری و گردن‌کشی از صراط مستقیم روی برتافتند. در قرآن کریم نیز رفتار زشت و ناپسند قوم بنی اسرائیل با انبیای الهی مورد توجه قرار گرفته است، آنجا که می‌فرماید: «لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رُسُلًا كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ»^۴؛ «ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و رسولانی به سوی آنها فرستادیم (ولی) هر زمان پیامبری بر خلاف هوس‌ها و تمایلات آنها می‌آمد عده‌ای را تکذیب می‌کردند و جمعی را می‌کشتند».

تصمیم بر قتل حضرت موسی توسط قوم یهود که در تورات به آن اشاره شده^۵

۱. عبدالاحد داوود، محمد در تورات و انجیل، ترجمه نیکان‌دیش، ص ۱۲۶.

۲. محمدعلی حسین‌زاده، سیری در مکتب یهود، ص ۳۰، نقل از: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۶۰.

۳. ر.ک: اعراف/۱۳۸-۱۴۰.

۴. مائده/۷۰.

۵. محمدعلی حسین‌زاده، سیری در مکتب یهود، ص ۲۴۲، به نقل از: سفر اعداد، باب ۱۴، ش ۲.

و نیز برخورد آنان با حضرت عیسی و ماجرای صلیب، عملکرد ناپسند آنان در مقابل پیامبران الهی را به خوبی می‌نمایاند.

اعتقاد به برتری قوم یهود

آشنایی با اعتقادات قوم یهود در این زمینه ما را از بحث طولانی در این باره بی‌نیاز می‌گرداند؛ از این رو، تنها به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌نماییم:

- اجانب برای خدمت کردن به یهود به صورت انسان خلق شده‌اند.
- سگ افضل از غیر یهودی است؛ زیرا در اعیاد می‌توان به سگ، گوشت و نان داد، ولی نان دادن به اجنبی حرام است.

- چون یهودیان با عزت الهی مساوی‌اند، بنابراین تمام دنیا و آنچه در او هست، ملک آنان می‌باشد و حق دارند که بر همه تسلط یابند.^۱

در این بخش بررسی وضعیت آنها در آغاز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد نظر است. آنچه از منابع موجود در این زمینه به دست می‌آید، ضعف و ناتوانی یهودیان در اکثر نقاط جهان می‌باشد و این در حالی بود که فعالیت‌های تبشیری مسیحیان گرایش‌های فراوانی را به مسیحیت در پی داشت.

طبری از مورخان و مفسران بزرگ سده چهارم هجری در تطبیق وضعیت یهود و نصاری در آن عصر، با اشاره به ضعف و ذلت قوم یهود می‌نویسد: «و قال: فلیس فیه بلد فیه أحد من النصارى إلا و هم فوق یهود فی شرق و لا غرب هم فی البلدان کُلها مستذلون.»^۲ «وگفت: در شرق و غرب شهری نبود مگر اینکه شخص مسیحی در آن برتر از یهودی بود. آنها در تمام شهرها ذلیل بودند.»

آمار پایین پیروان یهود در این عصر، بی‌توجهی یهودیان به مسائل تبلیغی و ناتوانی آنان را نمایان خواهد ساخت.^۳ یکی دیگر از این عوامل را می‌توان در انگیزه مهاجرت یهودیان به مناطق مختلف جهان، به‌ویژه به شبه جزیره عربستان جست‌وجو نمود که بیشتر مورخان ضعف و تحت فشار بودن را علت اصلی این روی‌داد دانسته‌اند.^۴

۱. همان، ص ۲۷، به نقل از: سید محمد شیرازی، دنیا باز یچه یهود، ص ۱۰۲.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۶، ص ۶۶.

۳. از سال ۱۰۰ قبل از میلاد تا سال ۱۰۰ میلادی جمعیت یهود تقریباً ۵ تا ۸ میلیون نفر بود، اما از قرون وسطی به بعد، در اکثر منابع جمعیت یهود بین یک تا ۲ میلیون نفر در نوسان دانسته شده است. عبدالوهاب المیسری، دایرةالمعارف یهود، یهودیت، صهیونیسم، ج ۲، صص ۲۳۶ و ۲۴۹.

۴. ر.ک: علی بن احمد السمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۵۵ به بعد.

از نکات قابل توجه دیگر درباره یهودیان آن عصر، جایگاه علمی آنان در بین جامعه عرب است. ابن خلدون با اشاره به این مطلب می‌نویسد: «إذا تشوّقت العرب إلى معرفة شيء مما تشوّق إليه النفوس البشرية في أسباب المكونات و بدء الخليقة و أسرار الوجود فإتّيا يسألون عنه أهل الكتاب قبلهم و هم أهل التوراة من اليهود و من تبع دينهم من النصارى، هنگامی که عرب به شناخت مسائلی - که همه بشر به شناخت آن علاقه‌منداند - اشتیاق پیدا می‌کرد، مانند علت خلقت و هستی و آغاز خلقت، پس از اهل کتاب سؤال می‌کردند و اهل کتاب همان یهودیان اهل تورات و مسیحیانی که از دین آنان تبعیت می‌کردند.»

استاد جعفر مرتضی عاملی از تاریخ‌دانان بزرگ معاصر نیز در این زمینه می‌نویسد: «عرب در برابر اهل کتاب همچون شاگرد به استاد عمل می‌نمود و آنان را سرچشمه فرهنگ و معرفت خویش می‌دانست ... حتی در تاریخ می‌یابیم که برخی از اعراب وقتی به اسلام تمایل پیدا می‌کردند، با یک حبر یا راهب مشورت می‌نمودند، بلکه درباره یک قبیله می‌پرسیدیم. بعد از اینکه پیامبر ﷺ دعوتش را بر آنان عرضه داشت، نزد یهودیان فدک می‌روند و از آنان درباره رسول الله ﷺ سؤال می‌کنند.»^۱

یهودی شدن گروه‌هایی از جامعه عرب قبل از اسلام نیز از نکات قابل توجه می‌باشد. این مطلب بارها در منابع مختلف آمده است.^۲

به هر حال می‌توان در گرداگرد جهان گروه‌هایی از یهود را مشاهده کرد؛ از جمله می‌توان به حضور آنان در بلاد عرب، همانند مدینه، یمن، شام، فدک، خیبر و بحرین اشاره نمود.

وضعیت یهود در مکه

بررسی اوضاع یهود در مکه از آن جهت که این شهر نخستین زمزمه‌های دل‌نشین وحی را در خود جای داد و مأوای اولین مخاطبان محمد ﷺ در دعوت اسلامی بود، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. با مروری بر سیره پیامبر اکرم ﷺ به فقدان اخبار در زمینه مواجهه ایشان با یهود مکه پی خواهیم برد. از سوی دیگر نپرداختن سوره‌های مکی به قوم یهود و در عین حال اشاره‌های متعدد سوره‌های مدنی به آنها نظریه عدم

۱. ابن خلدون، تاریخ، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۲۲۲.

. برای نمونه رک: ابن‌واضح یعقوبی، تاریخ، ج ۱، ص ۲۵۷.

وجود پیروان یهود در مکه را استوارتر می‌سازد. همچنین فرستادن گروهی از افراد توسط بت‌پرستان مکه برای پرسش از یهودیان مدینه درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز اندیشه سؤال کردن از یهود مدینه هنگام ورود آنان به مکه گواه دیگری بر تهی بودن مکه از وجود یهودیان خواهد بود.^۲

در حقیقت تنها فرضیه‌ای که می‌توان درباره وجود یهود در مکه پذیرفت، وجود افرادی انگشت‌شمار است که در نقاط مختلف این شهر پراکنده بودند و هیچ جایگاه و منزلتی نداشتند.

وضعیت یهود در مدینه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی حکومت خود را در مدینه پایه‌گذاری کرد که بیشتر مردمان این شهر را یهودیان تشکیل می‌دادند.^۳ بی‌تردید یهود مدینه را می‌بایست یکی از ثروتمندترین و قدرتمندترین یهودیان عصر ظهور اسلام قلمداد نمود. ابوالفرج اصفهانی درباره جامعه تشکیل‌دهنده یهود مدینه و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان در این شهر می‌نویسد: «در هنگام ساکن شدن قبایل اوس و خزرج در مدینه قبایل تشکیل‌دهنده یهود این شهر عبارت بودند از: بنو عکرمة، بنو ثعلبه، بنو محمر، بنو غورا، بنو قینقاع، بنو زید، بنو نضیر، بنو قریظه، بنو بهدل، بنو عوف، بنو القصبص. پس در مدینه جماعتی از یهودیان ثروتمند و شریف زندگی می‌کردند که بر سایر یهودیان برتری داشتند.^۴ در پاره‌ای اخبار نیز اشاره شده که یهودیان در آن زمان بیش از ۲۰ قبیله و دارای ۵۹ قلعه بودند، در حالی که اعراب پیش از ورود اوس و خزرج به آنجا، تنها سیزده قبیله بودند.^۵

یهودی شدن گروهی از انصار در مدینه قبل از طلوع اسلام، از نکات قابل توجه دیگر در جامعه مدینه است که نقش و جایگاه ویژه یهودیان این منطقه را به خوبی می‌نمایاند.^۶

۱. ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. واقدی، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۳۳۰.

۳. طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۷۰۰.

۴. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲، ص ۱۰۸.

۵. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۷۷؛ عبدالعزیز سالم، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدیقی‌نیا، ص ۲۳۹، به نقل از: الدرّة الثمینة فی تاریخ المدینة.

۶. ابن واضح یعقوبی، تاریخ، ج ۱، ص ۲۵۷.

بدین سان پیامبر اکرم ﷺ در مدینه با گروهی از یهودیان ثروت مند و نسبتاً مقتدر روبه‌رو گردید که نتیجه آن مواجهه‌ها و ارتباط‌های بسیاری بود که در بخش‌های بعد بررسی خواهد شد.

اوضاع مسیحیت در طلیعه ظهور اسلام

مسیحیت نیز تا به امروز فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر نهاده است. اگرچه مسیحیان تا مدت‌ها پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام مورد آزار و شکنجه یهودیان قرار گرفتند^۱، اما این سختی‌ها و مشکلات دیری نپایید و با روی کار آمدن قسطنطین و تبدیل مسیحیت به آیین رسمی و قانونی (در سال ۳۱۳ میلادی)، این دین دچار تحولی عظیم گردید؛ زیرا دینی که پیروانش اقلیتی ناچیز، غیر قانونی و تحت فشار بودند، به دینی قانونی، دارای اکثریت و نزدیک به حکومت تبدیل شد. اگر چه پیش از آن، مسیحی بودن جرم محسوب می‌شد و مال و جان را به خطر می‌افکند، اما دیگر مسیحی بودن بزرگ‌ترین مزیت بود و باعث تقرب به حکومت و دستیابی به مال، مکت و ... می‌گردید^۲.

بدین سان با افزایش روز افزون جمعیت مسیحیان، فعالیت‌های تبشیری آنان تا آنجا اوج گرفت که آیین مسیح به سرعت در مناطق مختلف رخنه کرده و افراد بسیاری را به خود جذب نمود. سرعت گرایش به آیین مسیحیت در بلاد عرب به حدی رسیده بود که به عقیده بعضی از نویسندگان اگر اسلام ظهور نمی‌کرد، مسیحیت تمام عربستان را تسخیر می‌کرد^۳.

پراکندگی جغرافیایی مسیحیان در دنیای آن روز، به ویژه در بلاد عرب، بحث مفصلی است و مجال دیگری می‌طلبد. ال‌اب لوئیس شیخو در کتاب «النصرانیة و آدابها بین عرب الجاهلیة» از ۴۶ قبیله عرب نصرانی نام برده و به ارائه توضیحاتی درباره آنها پرداخته است. وی همچنین با اشاره به مناطقی که نصاری در آن ساکن بوده‌اند، از جمله شام، قصاب، یمن، حضرموت، عمان، یمامه، بحرین و عراق به بررسی سیر نفوذ آیین مسیحیت در این مناطق می‌پردازد^۴.

۱. عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، مسیحیت، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۱۳۱.

۳. غلام‌حسین زرگری‌نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص ۵۳؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۶، ص ۵۰۰.

۴. ال‌اب لوئیس شیخو، النصرانیة و آدابها بین العرب الجاهلیة، صص ۱۲۴-۱۴۲.

بر این اساس، مسیحیت را باید از آیین‌های پرطرفدار و قدرتمند در زمان ظهور اسلام برشمرد که در بخش‌های وسیعی از جامعه جهانی به‌ویژه در روم و سرزمین‌های زیر سلطه آن به عنوان آیین رسمی شناخته می‌شد.

مسیحیت در مکه و مدینه

مسیحیان در قلب جزیره العرب حضور نداشتند، بلکه در اطراف آن، مانند حیره و شهرهای شام ساکن بودند.^۱ در دو شهر مکه و مدینه نیز مسیحیان یا اصلاً وجود نداشتند و اگر هم تعداد کمی از آنان در این منطقه سکونت داشته‌اند، به هیچ وجه از جایگاه و منزلت اجتماعی برخوردار نبوده‌اند. تهی بودن گزارش‌های عصر پیامبر از رویارویی‌های مسیحیان احتمالی این دو شهر، نظریه نبود پیروان مسیح در این مناطق را استوارتر می‌سازد. البته شواهدی مبنی بر حضور اندک مسیحیان در این دو شهر وجود دارد که می‌توان به یادکرد یعقوبی درباره گرایش پیدا نمودن یکی از قبایل قریش در مکه به آیین مسیحیت اشاره نمود.^۲ شهرستانی نیز در کتاب «الملل و النحل» ادعای وجود نصاری در مدینه را مطرح می‌کند.^۳

واکنش یهود نسبت به آیین اسلام

بشارت‌های تورات به ظهور پیامبر اکرم ﷺ بارها مورد بررسی قرار گرفته است و تحلیل‌گران فراوانی به آن پرداخته‌اند. قرآن کریم نیز با اشاره به این مطلب و با سرزنش اهل کتاب در نپذیرفتن اسلام، آنان را به پیروی فرا می‌خواند. میزان طرح این بشارت‌ها توسط آنها در آستانه ظهور اسلام به اندازه‌ای رسیده بود که گروهی از مردم به امید آنکه پیامبر شوند نام خود را محمد گذارده بودند.^۴ استاد جعفر مرتضی عاملی درباره تأثیرگذاری این بشارت‌ها در اعراب آن روز می‌نویسد: «این مطلب از طریق اخبار اهل کتاب، در ذهن عرب ریشه دوانیده بود که به زودی پیامبری در سرزمین عرب مبعوث خواهد شد و این مسئله، قبول دعوت پیامبر و باور نمودن آن حقیقتی را که او آورده بود، آسان می‌ساخت.»^۵

۱. جعفر مرتضی عاملی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲. ابن واضح یعقوبی، تاریخ، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. شهرستانی، الملل و النحل، ص ۱۸۹.

۴. ابن سعد، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۱۵۷.

۵. جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۲، ص ۲۲۵.

اخبار موجود در این زمینه به اندازه‌ای است که بررسی آن در این مجال کوتاه نمی‌گنجد، اما با وجود این، در پی ظهور پیامبر اکرم شاهد انکار یهودیان می‌باشیم. این در حالی بود که طرح بشارت‌های تورات از سوی آنان در اسلام آوردن گروهی از اعراب نقش داشت و نپذیرفتن اسلام توسط آنها پس از ظهور اسلام، گروه زیادی از اعراب را دچار شک و تردید نمود؛ زیرا مشرکان می‌گفتند اینان اهل کتاب هستند؛ پس اگر محمد آن‌گونه که گمان می‌برد رسول خدا می‌بود، او را می‌شناختند.^۱

به راستی به کدامین دلیل یهودیانی که در واقع مبلغان پیامبر قبل از ظهور اسلام بودند نه تنها به محمد ایمان نیاوردند، بلکه از دشمنان سرسخت و درجه یک پیامبر گردیدند؟ به عبارت دیگر، ریشه انکار پس از انتظار یهودیان را در کجا می‌توان جست‌وجو کرد؟ اینک به ریشه‌یابی این مسئله با استفاده از منابع موجود می‌پردازیم.

علل نپذیرفتن اسلام از سوی یهودیان

اسلام از آغاز با دشمنی کینه‌توزانه و توطئه‌های گوناگون قوم یهود روبه‌رو بوده است. با نگاهی جامعه‌شناسانه و روان‌کاوانه به جامعه یهود در طول عصرهای متمادی در خواهیم یافت که ریشه اصلی این واکنش در برابر اسلام، به پیشینه قوم یهود بازمی‌گردد؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، قوم یهود سابقه تاریکی در برابر دیگر پیامبران الهی از خود به نمایش گذاشته‌اند و واکنش زشت و ناپسند آنان درباره حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام نمونه بارز آن می‌باشد. دریافت این مطلب و توجه به سابقه تکذیب و قتل پیامبران الهی توسط این قوم - که در قرآن مورد اشاره واقع شده است - واکنش تند و خصمانه آنها در مقابل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را امری عادی و قابل پیش‌بینی می‌رساند. آرنولد توین بی در کتاب «تاریخ تمدن» می‌نویسد: «حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانست که یهودیان یثرب با این زمینه که قرآن به زبان عربی و از سوی خدا وحی شده، دست از یهودی‌گری بر نخواهند داشت تا به اسلام روی آورند. مسلماً حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانسته که یهودیان در مقابل گرایش به مسیحیت از خود مقاومت به خرج داده‌اند.»^۲

بزرگ‌منشی و خودبرتربینی قوم یهود نیز به نپذیرفتن اسلام از سوی یهودیان در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دامن زد. به راستی باد غرور، فخر فروشی و اعتقاد شگفتی آور به برتری قوم یهود - که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد - به هیچ وجه به آنان اجازه نمی‌داد

۱. مغربی، قاضی نعمان، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲. آرنولد توین بی، تاریخ تمدن، ترجمه یعقوب آژند، ص ۴۴۳.

که در برابر پیامبری که از نسل حضرت اسماعیل ع و از میان اعراب برانگیخته شده، سر تعظیم فرود آورند و پیام او را بپذیرند. یکی دیگر از ریشه‌های ایستادگی قوم یهود در برابر پیامبر اکرم ص را می‌توان در انگیزهٔ پرستش خدایان متعدد قوم یهود در اعصار مختلف و نگاه آنان به دین جست‌وجو نمود. یهودیان ثابت کرده‌اند که بیش از آنکه به دنبال حقیقت باشند، در پی منافع مادی خویش بوده و بیشتر هم‌تشان را در این راه به خرج می‌داده‌اند. واکنش قوم یهود در برابر حضرت موسی پس از ورود به بیابان سین، که در تورات به آن اشاره شده، بسیار جالب توجه است. آنجا که حضرت موسی را این‌گونه مورد خطاب قرار دادند: «... ای کاش به دست خداوند در ولایت مصر می‌مردیم. در زمانی که کنار دیگ‌های گوشت می‌نشستیم و نان را به سیری می‌خوردیم، ما را به این بیابان آوردید تا آنکه همگی این جماعت را به گرسنگی بکشید.»^۱ البته با مراجعه به منابع مختلف، دلایل دیگری را می‌توان در این زمینه نام برد که به اختصار می‌آوریم:

۱. حس برتری جویی و حسادت نسبت به پیامبر و اعراب

بی‌تردید یکی از ریشه‌های دشمنی با پیامبر ص را باید در عقیدهٔ بنی‌اسرائیل به برگزیده بودن قوم یهود مرتبط دانست. به راستی قومی که خود را تافته‌ای جدا بافته می‌پنداشتند، به هیچ وجه تحمل کردن نهادن در برابر دستورات پیامبری را که از قوم دیگری برانگیخته شده بود، نداشتند. اینک به بعضی از اعترافات یهود در این زمینه می‌پردازیم. کعب بن اسد در جریان جنگ بنی‌قریظه با مخاطب قرار دادن قبیلهٔ خویش گفت: «ای بنی‌قریظه! شما می‌دانید که محمد فرستاده خداست و هیچ چیزی غیر از رشک و حسد ما نسبت به اعراب، مانع ایمان آوردن ما نشد؛ آن هم به این بهانه که چرا این پیامبر از بنی‌اسرائیل نیست و حال آنکه نبوت را خداوند به هر که بخواهد عنایت می‌کند.»^۲

۲. ریاست و دنیاطلبی

ریاست‌طلبی علمای یهود را می‌توان عامل دیگری برای عدم تمکین قوم یهود

۱. علی شامرادی، تاریخ یهود، ص ۱۴۷، به نقل از: تورات، سفر خروج، فصل ۱۶، آیه ۲.
۲. واقدی، مغازی، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۳۷۹.

برشمرد. در بعضی اخبار آمده است که احبار و بزرگان یهود از درآمدها و مقاماتی برخوردار بودند که با طلوع اسلام با خطر جدی مواجه می‌گشت. «کان لیحی بن‌أخطب و کعب بن‌أشراف و آخرین منهم ما کلة علی الیهود فی کلّ سنّة و کرهوا بطلانها بأمر النبی ﷺ»^۱ «برای یحیی بن‌أخطب و کعب بن‌أشراف و گروهی دیگر از یهود درآمدی از جانب یهود در هر سال وجود داشت و آنان خوش نداشتند تا این درآمد با نبوت محمد ﷺ از بین برود.»

استاد جعفر مرتضی‌عاملی در بررسی علل دشمنی یهود با اسلام مطلبی می‌نویسد که خلاصه آن را می‌آورم: «رسول خدا دینی کامل و متوازن آورد که به مبارزه با رباخواری، احتکار و هر نوع و شکلی از استثمار و مزدوری کردن انسانی برای انسانی دیگر اهتمام داشت ... و این مسئله با طمع یهودیان و آنچه که تا آن زمان با آن الفت داشته و دوست می‌داشتند، سازگاری نداشت.»^۲

۳. تعصب

در طول تاریخ انسان‌های بسیاری بر اثر تعصبات کور در دریای جهل و گمراهی غرق گشته و از راه‌یابی به حقیقت باز مانده‌اند. در حقیقت یهودیانی که به رغم درک حقیقت پیام اسلام و با اعتراف به نبوت پیامبر اکرم ﷺ فریاد برمی‌آوردند که «آری او همان است، ولی ما از تورات جدا نمی‌شویم»^۳، به حقیقت پشت پا زدند و تعصبات ناپسندشان را نمایان ساختند. یهودیانی که تعصباتشان آنان را از پای درآورده بود، چه ساده‌لوحانه بر دین اجداد خویش اصرار ورزیدند و بانگ برآوردند که «یا محمد ما وجدنا علیه آبائنا فهم کانوا أعلم متّاً وخیراً متّاً.»^۴

۴. غرور و خودبزرگ‌بینی

این صفت ناپسند یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی انسان‌ها و جدال آنان با حقیقت است. نقل شده زمانی که یکی از یهودیان به نام کعب بن‌اسد به نبوت پیامبر اکرم ﷺ اعتراف نمود و قبيلة خویش - بنی قریظه - را به متابعت از پیامبر فرا خواند،

۱. شیخ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲. جعفر مرتضی‌عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۶، ص ۲۷.

۳. ابن‌سعد، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۱۵۲.

۴. ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۱۶۵؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۸۷.

آنان در پاسخ گفتند: «... ما پی‌رو کس دیگری غیر از خود نیستیم. پیامبری و کتاب از درون ما بوده؛ پس آیا می‌توانیم تابع غیر از خود باشیم؟»^۱

۵. جهل و تردید

با مروری بر پرسش‌های مطرح شده از سوی یهودیان و گاه اعتراف به نبوت پیامبر ﷺ پس از شنیدن پاسخ از زبان ایشان، این حقیقت آشکار می‌گردد که گروهی از یهودیان نه از سر دشمنی و عناد، بلکه تنها از روی جهل و برای دست‌یابی به حقیقت به ایراد پرسش‌های مختلف می‌پرداخته‌اند. در حقیقت باید پذیرفت که دست‌کم گروه اندکی از یهودیان عصر پیامبر ﷺ به علت جهل و نادانی از پذیرش دعوت پیامبر ﷺ سر باز زدند و این مسئله را می‌توان به ناآشنایی کامل گروه‌هایی از قوم یهود با تورات مرتبط دانست.

مسائلی همچون پرسش‌گری‌های فراوان، انتظار یهود برای مشاهده سرانجام کار محمد ﷺ و قومش^۲ و اعتراف گروهی از آنان به نبوت پیامبر ﷺ پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و سپس شک و شبهه آنان با شکست مسلمانان در جنگ احد^۳، امتناع آنان از مباحله با پیامبر ﷺ^۴، خودداری از کمک به پیامبر ﷺ به سبب تحریم کار در روز شنبه^۵، و نیز درخواست‌های شگفت گروهی از آنها از پیامبر اکرم ﷺ اگر چه می‌تواند به انگیزه‌های تخریب پیامبر ﷺ و بهانه‌جویی صورت پذیرفته باشد، اما همان‌گونه که اشاره شد، حداقل می‌تواند مؤیدی بر جهل و تردید گروه اندکی از یهودیان باشد.

۶. دشمنی با حضرت عیسی ﷺ

اوج مخالفت یهودیان با حضرت عیسی ﷺ و ایمان پیامبر اکرم ﷺ به عیسی ﷺ از دیگر عواملی است که می‌توان به آن اشاره نمود؛ زیرا آنان پس از شنیدن سخن پیامبر ﷺ در ایمان به حضرت عیسی ﷺ می‌گفتند: «ما نؤمن به و من آمن به.»^۶

۱. واقدی، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۱۰.

۳. واقدی، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۸۵ و ۲۲۲؛ واحدی نیشابوری، اسباب نزول الآیات، ص ۱۵.

۴. ابن جریر طبری، جامع البیان، ج ۳، ص ۴۰۷.

۵. واقدی، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۱۹۰.

۶. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۸۰.

۷. ترس از آزار و شکنجه یهودیان

در اعتراف دو تن از یهودیان به نبوت پیامبر ﷺ این سخن هست که آنان ترس از کشته شدن توسط یهودیان را دلیل عدم پذیرش خود برشمرده^۱.

۸. محمد ﷺ پیامبری برای غیر یهود

یکی از موضع‌گیری‌های شگفتی‌آور و پرسش برانگیز یهودیان، اختصاص دادن نبوت پیامبر اسلام ﷺ به غیر یهود می‌باشد^۲.

استراتژی‌های یهود برای مبارزه با پیامبر

یهودیان از همه راه‌کارهای موجود برای مخدوش کردن آیین اسلام و سیمای پیامبر اکرم ﷺ، بهره می‌بردند. در حقیقت آنها از هر طریقی که می‌توانستند به مقابله با پیامبر ﷺ می‌پرداختند و مشکلات فراوانی را در مسیر پیش‌برد اهداف ایشان پیش می‌آوردند.

در یک دسته‌بندی کلی اقدام‌های آنان در مبارزه با پیامبر ﷺ را می‌توان به ده بخش تقسیم کرد:

۱. تحریف تورات و محو نام پیامبر از آن؛
 ۲. وارد ساختن تهمت‌های ناروا به پیامبر اکرم ﷺ؛
 ۳. شبهه‌افکنی پیرامون احکام و اعتقادات اسلامی؛
 ۴. تردیدافکنی در بین مسلمانان؛
 ۵. تحریک مشرکان و منافقان بر ضد پیامبر ﷺ؛
 ۶. ایجاد تفرقه در میان مسلمانان؛
 ۷. سست نمودن مسلمانان در حمایت از پیامبر ﷺ؛
 ۸. سازمان‌دهی درونی با اتحاد بر محور در مبارزه با پیامبر ﷺ؛
 ۹. قصد فریب پیامبر ﷺ؛
 ۱۰. شکنجه و آزار یهودیان مسلمان شده.
- اینک به شرح کوتاهی از موارد یادشده می‌پردازیم:

۱. احمدبن‌الحسین بیهقی، سنن کبری، ج ۸، ص ۱۶۶؛ احمدبن‌علی نسائی، سنن کبری، ج ۲، ص ۳۰۷.
 ۲. ابن‌جریرطبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۳۶۵.

۱. تحریف تورات و محو نام پیامبر ﷺ از آن

- الف. نهی از بیان صفات محمد ﷺ از تورات از جانب احبار و بزرگان یهود؛
- ب. عدم به کار بردن نام محمد ﷺ برای پیامبر و استفاده از نام ابوالقاسم؛
- ج. کتمان اسم محمد ﷺ؛
- د. تغییر صفات پیامبر ﷺ در تورات؛
- هـ. محو اسم محمد ﷺ از تورات؛
- و. کتمان آنچه در تورات درباره ظهور حضرت محمد ﷺ آمده و جایگزین‌سازی مطالبی دیگر و سوگند یاد کردن بر اینکه این مطالب از جانب خداست.^۶

۲. وارد ساختن تهمت‌های ناروا به پیامبر اکرم ﷺ

- یکی از راه‌کارهای قوم یهود در مبارزه ایراد اتهام‌های ناروا به پیامبر ﷺ در راستای منزوی‌سازی ایشان بود. اینک نمونه‌ای از این اتهامات را می‌آوریم:
- محمد ﷺ پیامبر نبوده، بلکه شخصی دروغ‌گوست؛^۷
 - محمد ﷺ تنها پادشاهی است؛^۸
 - عدم اطلاع محمد ﷺ از علم غیب؛^۹
 - معرفی محمد ﷺ به عنوان شخصی شهوت‌پرست.^{۱۰}

۳. شبهه‌افکنی پیرامون احکام و اعتقادات اسلامی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های یهود در مقابله با پیامبر اکرم ﷺ، طرح پرسش‌های علمی و عقیدتی برای به زانو درآوردن پیامبر اکرم ﷺ و سست نمودن عقیده مسلمانان نسبت به آیین اسلام می‌باشد. ابن‌اسحاق با اشاره به این

۱. شیخ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۲۶.

۳. ابن‌جریرطبری، جامع البیان، ج ۲، ص ۱۲.

۴. واحدی نیشابوری، اسباب نزول الآیات، ص ۱۵.

۵. ابن‌جریرطبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۵۳۶.

۶. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۲۶.

۷. ابن‌جریرطبری، جامع البیان، ج ۶، ص ۳۲۴.

۸. واقدی، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۲۲۹.

۹. ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۴۱.

۱۰. ابن‌جریرطبری، جامع البیان، ج ۵، ص ۱۹۳.

مطلب می‌نویسد: «اهل کتاب از پیامبر ﷺ مطالبی می‌پرسیدند ... تا حق را با باطل بیوشانند.»^۱

خوشبختانه طرح این‌گونه سؤالات نه تنها عقیده مسلمانان را نسبت به اسلام سست نمی‌کرد، بلکه به روشن شدن مقام علمی و اطلاعات غیبی پیامبر ﷺ می‌انجامید.

۴. ایجاد تردید در بین مسلمانان

ایجاد فضای شک و تردید از جمله استراتژی‌های یهود در مبارزه با پیامبر اکرم ﷺ به شمار می‌رود که می‌توان به تصمیم گروهی از یهودیان برای ایمان به پیامبر ﷺ در ابتدای صبح و سپس مخالفت با حضرت در آخر شب برای به تردید انداختن مسلمانان اشاره کرد.^۲

۵. تحریک مشرکان و منافقان بر ضد پیامبر ﷺ

پیمان شکنی‌های متعدد، کارشکنی‌ها و تبلیغات مسموم و مخرب، تصمیم بر قتل پیامبر و ... تنها عملکردهای یهود برای به چالش کشیدن پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان نبود، بلکه آنان با تحریک عقیدتی و نظامی مشرکان و نیز با همراهی منافقان در صدد ضربه زدن به اسلام و مسلمانان برآمدند. برتر خواندن آیین بت پرستان مکه از پیام ارزشمند و نجات‌بخش اسلام در پاسخ به پرسش بت پرستان مکه درباره مقایسه آیین اسلام و بت پرستی^۳، یکی از بارزترین وسوسه‌های عقیدتی بود که مشرکان را به جبهه‌گیری سخت‌تر در مقابل پیامبر اکرم ﷺ فرا می‌خواند. اتخاذ این موضع توسط یهودیانی که آیین بت پرستی را به هیچ وجه مورد قبول نمی‌دانستند^۴، هدف‌های شوم و تخریبی آنان را نمایان ساخت. هنگامی اوج کینه و دشمنی یهودیان را بهتر درک می‌نماییم که بدانیم - چنان‌که نقل شده - یهودیان برای جلب اعتماد مشرکان حاضر به سجده در برابر بتان گردیدند.^۵

در مورد تحریک نظامی مشرکان نیز می‌توان به نقش اساسی بزرگان یهود در شکل‌گیری جنگ خندق اشاره نمود که این مسئله عطش قوم یهود را در به چالش

۱. ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۱۶۶.

۳. همان، ج ۳، ص ۲۳۷؛ طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۵، ص ۱۸۸.

۴. یهودیان می‌گفتند: «لیس علینا فی أموال العرب التي أصبناها سبیل لآئهم مشرکون» «اموالی که از اعراب برای ما فراهم شده قابل استفاده نیست چرا که اعراب مشرکند.» طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۶.

۵. شیخ طوسی، التبیان، ج ۳، ص ۲۲۳.

کشیدن پیامبر ﷺ و تضعیف و انهدام مسلمانان می‌رساند، تا جایی که نوشته‌اند یهودیان حاضر شدند محصول خرماي یک سال خيبر را در صورت هم‌راهي قبيله غطفان در اختيار آنان قرار دهند.^۱ نگاهی به رد پای يهود در ساير جنگ‌های پیامبر ﷺ با مشرکان، هم‌راهي و هم‌گامي قوم يهود با مشرکان را نمایان خواهد ساخت. ارتباطات صميمي و تنگاتنگ يهوديان با منافقان نیز از نکات قابل توجه می‌باشد، تا جایی که نقل شده عبدالله بن ابی که پیشوای منافقان بود پس از اخراج بنی نضیر از مدینه می‌گفت: «من در مدینه خالی از بنی نضیر سخت وحشت‌زده می‌شوم.»^۲ حضور پررنگ و حزن‌آلود يهوديان در هنگام بیماری و مرگ عبدالله بن ابی دل‌بستگی‌های فراوان و دوسویه این دو گروه را نمایان می‌سازد. نقل شده که يهوديان از گروه‌هایی بودند که هنگام بیماری عبدالله بن ابی پیرامون بستر او را گرفته و پس از مرگ وی از تشییع‌کنندگان پیکر وی بودند و از شدت حزن بر سر خود خاک می‌پاشیدند.^۳

۶. ایجاد تفرقه بین مسلمانان

همان‌گونه که به اعتقاد برخی از مورخان، يهوديان در دامن زدن به اختلافات داخلی عرب دخالت داشتند،^۴ پس از ورود اسلام به این شهر نیز تحرکاتی برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان از سوی يهوديان گزارش شده است.^۵ استاد جعفر مرتضی عاملی درباره چگونگی مبارزه قوم يهود با اسلام می‌نویسد: «... عن طريق إثارة الفتن بين المسلمين و لا سيما بين الأوس و الخزرج و بين المسلمين و المشركين.»^۶

۷. سست نمودن مسلمانان در حمایت از پیامبر ﷺ

انجام اقداماتی برای سست نمودن مسلمانان در حمایت از پیامبر ﷺ از دیگر استراتژی‌های يهود در ضربه زدن به مسلمانان می‌باشد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌نماییم:

۱. واقدی، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۳۳۱.
۲. همان، ج ۱، ص ۲۷۶.
۳. جواد علی، المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۶، ص ۵۴۸.
۴. عبدالعزيز سالم، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری‌نیا، ص ۳۰۱.
۵. ر.ک: ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۶۸.
۶. جعفر مرتضی عاملی، الصحيح من سیره النبی الاعظم ﷺ، ج ۶، ص ۳۲.

الف. آزار و اذیت هنگام ورود پیامبر اکرم ﷺ به مدینه^۱؛
 ب. اجتماع گروهی از منافقان در خانه سویلیم یهودی برای طرح نقشه‌ای جهت همراهی نکردن مسلمانان با پیامبر ﷺ در جنگ تبوک^۲؛
 ج. شایعه‌پراکنی در مدینه هنگام رسیدن خبر آمادگی کفار برای جنگ احد^۳.

۸. سازمان‌دهی درونی و ایجاد وحدت در مبارزه با پیامبر ﷺ

بی‌درنگ یکی از مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین استراتژی‌های یهود در جلوگیری از پیش‌رفت اسلام سازمان‌دهی و یک‌سویه کردن قوم یهود در مبارزه با پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد. در گزارش‌های تاریخی آمده بعضی از یهود به یک‌دیگر نامه نوشتند و در آن بیان داشتند: «إِنَّ مُحَمَّدًا لَيْسَ نَبِيًّا، فَاجْمَعُوا كَلِمَتَكُمْ وَ تَمَسَّكُوا بِدِينِكُمْ وَ كِتَابِكُمْ الَّذِي مَعَكُمْ، فَافْعَلُوا بِهِ وَ فَرِحُوا بِهِ وَ فَرِحُوا بِاجْتِمَاعِكُمْ عَلَى الْكُفْرِ بِمُحَمَّدٍ.»^۴ «مطمئن باشید که محمد ﷺ پیامبر نیست، پس سخنان را یکی کنید و به دین خود تمسک ورزید و به کتابی که همراه شماست. پس آن را انجام دهید و بر انجام آن و بر اجتماعتان در کفر به محمد شادمان باشید.»

۹. قصد فریب پیامبر ﷺ

یهودیان گمراه و جامانده از قافله آن‌قدر در جهل مرکب خود گرفتار آمده بودند که به علت عدم درک شخصیت عظیم محمد ﷺ در صدد برآمدند تا با نقشه‌ای از پیش تعیین شده و با فریب پیامبر، آن حضرت را به انزوا بکشانند، اما این نقشه آنان نیز خنثی شد. خلاصه ماجرا این‌گونه است که گروهی از احبار یهود نزد پیامبر آمده، از آن حضرت خواستند تا در قضیه‌ای به نفع آنها حکم نماید و آنان نیز در عوض به پیامبر ایمان آورند، اما رسول اکرم ﷺ با عدم پذیرش این پیش‌نهاد، آنان را از رسیدن به اهداف شومشان بازداشت^۵.

۱. واقدی، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۱۷۰.

۳. ابن‌سعد، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۳۴.

۴. محمدبن جریر طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۴، ص ۲۷۳؛ با کمی تفاوت در: ابن‌جوزی، زاد المسیر، ج ۲، ص ۶۹.

۵. ابن‌هشام، السیره النبویه ﷺ، ج ۲، ص ۱۷۹.

۱۰. شکنجه و آزار یهودیان مسلمان شده

تحت فشار قرار دادن اندک یهودیانی که به پیامبر ایمان می‌آوردند، یکی از سیاست‌های قوم یهود در جلوگیری از گرایش یهودیان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. این عمل دقیقاً مانند شکنجه و آزار طاقت فرسایی بود که بت‌پرستان مکه به افرادی همچون بلال، عمار، یاسر و ... برای روی گردانی آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنان تحمیل می‌کردند؛ برای مثال می‌توان به آزار و اذیت عبدالله بن سلام و یارانش به علت ایمان آوردن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره نمود.^۱ همچنین کاربرد تعابیری مانند - اشرار یهود - درباره یهودیان مسلمان شده^۲ از دیگر شیوه‌های آنان برای شکنجه روحی و طرد یهودیان ایمان آورنده به شمار می‌رفت.

گزارش نپذیرفتن اسلام توسط دو تن از یهودیان، به رغم اعتراف آنان به نبوت پیامبر به علت ترس از کشته شدن توسط یهودیان، اوج این فشارها را حداقل برای مقطع زمانی و محدوده مکانی خاصی می‌رساند.

به هر روی، یهودیان استراتژی‌های متفاوتی را برای عدم توسعه و پیشرفت اسلام به کار بستند و چالش‌های فراوانی را در مسیر حرکت رو به جلوی پیامبر ایجاد نمودند. نگاهی به آمار پایین ایمان‌آوردگان به پیامبر در میان قوم یهود از ثمردهی این استراتژی‌ها حداقل برای جلوگیری از گرایش قوم یهود به آیین اسلام حکایت می‌کند.

ایمان‌آوردگان به پیامبر صلی الله علیه و آله از قوم یهود

در طول تاریخ همواره افرادی بوده‌اند که به رغم فضای موجود و مشکلات فراروی جو حاکم را شکسته و در برابر حقیقت سر تسلیم فرود آورده‌اند. آری اندک یهودیانی که بشارت‌های تورات و تطبیق آن با نبی مکرم اسلام را دریافتند، زیان جبران‌ناپذیر مخالفت با آن را درک نمودند و با پشت پا زدن به تعصب بی‌جای خویش و به رغم همه مشکلات موجود، به ندای محمد لبیک گفته و در مسیر صحیح حرکت نمودند. اینک به نام این افراد که از لابه‌لای منابع تاریخی و سیره به دست آورده‌ایم، اشاره می‌نماییم:

ثعلبة بن سعیه، اسید بن سعیه، اسد بن عبید، یامین بن عمیر، ابوسعید بن وهب،

۱. واحدی نیشابوری، اسباب نزول الآیات، ص ۶۳.

. طبرانی، المعجم الکبیر، ج، ۸۷؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج، ۶، ص ۳۲۷.

مخیریق، عبدالله بن سلام به اتفاق خانواده و عمه‌اش به نام خالده، کعب بن سلیم، رفاعه بن سموال، سماک، یسار حبشی، جبل بن جوال بن صفوان ثعلبی، غزیه بن سعنه، قیس بن عمرو بن سهل، زید بن اللصیت، سلاله بن حمام، تمام بن یهود و غلامی یهودی به نام جبر.

البته در بعضی از موارد بدون اشاره به نام یهودیان مسلمان شده، تنها ایمان آوردن آنان به پیامبر اکرم ﷺ مطرح گردیده است؛ مانند ایمان دو نفر از احبار شام^۱ و ایمان آوردن یکی از احبار یمن.^۲ در بعضی از موارد نیز با عباراتی مانند: «و من أسلم من یهود»، «إلا بعضهم لحقوا برسول الله ﷺ»، «عبدالله بن سلام و أصحابه» مواجه می‌شویم که نشانه ایمان آوردن افرادی از یهود می‌باشد.

به هر ترتیب اگرچه آمار پایین ایمان‌آوردندگان به پیامبر از قوم یهود، اوج دشمنی و حسادت آنان را نمایان می‌سازد، اما در این میان به چند شخصیت برمی‌خوریم که با همه وجود به پیامبر اکرم ﷺ ایمان آورده و تا پای جان ایستادگی نمودند. اینک اشاره‌ای کوتاه به واکنش این افراد می‌نماییم.

مخیریق یکی از بزرگان و ثروت‌مندان یهود، قبل از جنگ احد، یهودیان را این‌گونه مورد خطاب قرار داد: به خدا قسم شما می‌دانید که محمد ﷺ پیامبر است و نصرت و یاری او بر شما واجب است. اما یهودیان بهانه آوردند که امروز شنبه است. مخیریق گفت: دیگر شنبه مانعی ندارد، سلاح خود را برداشت و همراه رسول خدا به میدان جنگ آمد و کشته شد. وی هنگامی که به میدان می‌رفت، گفت: اگر کشته شدم، اموال من مال محمد ﷺ است که در راه خدا صرف کند.^۳

واکنش مسیحیت در مقابل اسلام

با مقایسه و تطبیق واکنش مسیحیت و قوم یهود نسبت به آیین اسلام چند مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد که از جمله می‌توان به گرایش افزون‌تر مسیحیان به اسلام نسبت به آیین یهود اشاره کرد.

بی‌تردید منقلب شدن و پذیرش اسلام از سوی برخی مقامات حکومتی و سیاسی و نیز شخصیت‌های بزرگ علمی و مذهبی مسیحیت، از شوق فراوان و انتظار شدید

۱. واحدی نیشابوری، اسباب نزول الآیات، ص ۶۳.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۱۷۳.

۳. واقدی، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۱۹۰.

مسیحیان آن عصر به تحقق بشارت‌های کتاب مقدس درباره حضرت رسول ﷺ حکایت دارد.

یکی دیگر از نتایج به دست آمده از این مقایسه با حضور کمرنگ مسیحیان در شهر مدینه ارتباطی مستقیم دارد. حضور حداکثری یهودیان در مدینه سبب گردید تا آنان بارها با تشکیل جلسات حضوری با پیامبر اکرم و ارتباط مستقیم با ایشان به بیان دیدگاه‌های خویش پرداخته و پیام والای اسلام را از زبان پیامبر ﷺ بشنوند، اما این حد از ارتباطات مستقیم و چهره به چهره برای مسیحیان فراهم نبود و بیش‌تر ارتباطات پیامبر و مسیحیان از راه مکاتبه یا آمدن نمایندگان به حضور پیامبر بوده است.

اگر چه حجم اندک گزارش‌های منابع در زمینه مواجهه پیامبر با مسیحیان در مدینه از حضور معدود و بسیار پایین پیروان این آیین در مدینه سرچشمه می‌گیرد، اما باید توجه داشت که این مسئله نه پیامبر را در انجام وظیفه خود در برابر هدایت و ارشاد مسیحیان سست و بی‌تفاوت نمود - که می‌توان به عملکرد پیامبر در مکاتبه و دعوت سران کشورهای مسیحی جهان به اسلام اشاره کرد - و نه باعث شد مسیحیان از کنار خبر ظهور پیامبر بی‌تفاوت بگذرند که می‌توان به حضور نمایندگان نجران در مدینه و نیز اعزام هیأتی از طرف مردم حبشه برای بررسی و تحقیق درباره پیامبر اکرم ﷺ اشاره نمود!

با وجود این، باید بپذیریم که باز هم گروه‌های بسیاری از مسیحیان از پذیرش حق سر باز زدند و همانند بیش‌تر یهودیان عصر پیامبر چشمان خود را بر حقیقت بسته و به انکار پس از انتظار رو آوردند. به راستی مسیحیان به کدامین دلیل بشارت‌های کتاب مقدس را نادیده گرفتند و از ایمان به پیامبر خودداری نمودند؟ اینک به بعضی از این عوامل اشاره‌ای کوتاه می‌نماییم.

علل عدم پذیرش اسلام از سوی مسیحیان

در مورد علل نپذیرفتن اسلام از سوی مسیحیان نمی‌توان از اخبار موجود اطلاعات زیادی به دست آورد و ناگزیر باید وضعیت آنان را از نگاه جامعه‌شناسانه و روان‌کاوانه به دقت بررسی کرد. بر این اساس دو مسئله را باید مورد توجه بیشتر قرار داد:

۱. اقتدار سیاسی - حکومتی مسیحیان؛

. ابن‌هشام، السیرة النبویة ﷺ، ج ۲، ص ۵.

۲. فعالیت‌های گسترده تبشیری و پیروان فراوان آن.

برای مسئله نخست باید بدانیم حکومت‌داری مسیحیان در مناطق مختلفی از جهان از جمله حکومت روم که آیین حضرت مسیح، دین رسمی آن دیار به شمار می‌رفت، به مسیحیان جهان در آن دوره روحیه بالا و اقتدار خاصی بخشیده بود که یقیناً در سایه این اقتدار، پذیرش آیین جدید مشکل‌تر می‌نمود؛ زیرا همان‌گونه که تاریخ نشان می‌دهد، همیشه تعداد افراد ضعیف و ناتوان که به آیین‌های تازه شکل گرفته گرایش پیدا می‌نمایند، بیش از افرادی است که از قدرت و توانایی بیشتری برخوردار می‌باشند.

به عبارتی این مسئله سبب گردید که مسیحیان از اعتماد و غرور خاصی در آن دوره برخوردار باشند و به راحتی تسلیم آیین جدید نشوند.

فعالیت‌های گسترده تبشیری و پیروان فراوان آیین مسیح؛ این مسئله بیش از آنکه علت عدم پذیرش اسلام توسط مسیحیان به شمار رود، از اعتماد و اعتقاد راسخ مسیحیان به آیین خود حکایت می‌نماید و این حقیقت را روشن می‌سازد که آنان آیین خود را به عنوان برترین و کامل‌ترین آیین‌های موجود آن عصر به شمار می‌آورده‌اند و در تبلیغ و گسترش آن از هیچ تلاشی فروگذار نبوده‌اند.

مناظره‌های فراوان مسیحیان با یهودیان آن عصر و ادعای برتری آیین حضرت عیسی علیه السلام در برابر یهودیان، این مسئله را آشکار می‌سازد.

اثبات این مسئله حاکی از آن است که دل‌کندن و جدا شدن از آیینی که اکثریت پیروان جهان را دربرداشت و روز به روز نیز بر حجم پیروان آن افزوده می‌گشت، کاری سخت و دشوار بوده و پیروان آیین مسیح به راحتی به آن تن نمی‌داده‌اند.

البته علل دیگری را نیز نه تنها برای عدم پذیرش اسلام توسط مسیحیان، بلکه درباره عدم گرایش بشر در طول تاریخ به آیین‌های تازه تأسیس می‌توان برشمرد؛ از جمله تعصبات بی‌جا، ترس از طرد شدن از اقوام و هم‌کیشان، غرور و خودبزرگ‌بینی، وابستگی به موقعیت، جهل، تردید و ... که اینک به بیان دو مورد از آنها که از لابه‌لای منابع موجود به دست می‌آید، اشاره می‌نماییم.

۱. علاقه به موقعیت

یقیناً در طول تاریخ انسان‌های زیادی برای به خطر نیفتادن منافعشان به جنگ با یقوت پرداخته‌اند. نقل شده یکی از بزرگان مسیحیت به نام ابوالحارثه بن علقمه پس

از اعتراف به نبوت پیامبر ﷺ و پذیرش مطابقت صفات پیامبر با انجیل دربارهٔ علت نپذیرفتن دعوت محمد، به برادرش گفت: «این قوم ما را گرمی داشته، بر خود سالار ساخته و به شرف رسانده‌اند و می‌بینی که فقط مخالفت با او را می‌خواهند!»

۲. شک و تردید

بی‌گمان باید پذیرفت که حداقل گروه کمی از مسیحیان، نه از روی عناد و دشمنی، بلکه تنها به سبب شک و تردیدی که از جهل‌شان سرچشمه می‌گرفت، از قبول دعوت پیامبر سر باز زدند. بعضی از اخبار، علت حضور نیافتن مسیحیان نجران در مباحثه با پیامبر را وجود شک و تردید آنان نسبت به نبوت پیامبر اکرم ﷺ بر شمرده‌اند. شیخ طوسی دربارهٔ امتناع آنان از مباحثه می‌نویسد: «امتنعوا ... و خوفهم من صدق النبى.»^۲ طبری نیز می‌نویسد: «فلم یخرج یومئذ نصاری و قالوا إنا نخاف أن یکون هذا هو النبى و لیس دعوة النبى کغیرها.»^۳

ایمان آوردگان به پیامبر ﷺ از مسیحیان

این گروه از قشرهای مختلف جامعه تشکیل می‌شد که به شرح آن می‌پردازیم.

ایمان سران سیاسی - حکومتی مسیحیان

عموم زمامداران وقت به جز خسرو پرویز تحت تأثیر نامه‌های پیامبر قرار گرفتند و به نمایندگان پیامبر احترام گذاشتند. بعضی از آنان نیز دعوت پیامبر اکرم ﷺ را لبیک گفتند و خبر پذیرش اسلام خویش را اعلان نمودند. بی‌تردید به جان خریدن پی‌آمدهای ناگوار پذیرش اسلام توسط فروة بن عمر، فرماندار عمان، از مواردی است که تشنگی بشر، کمال‌خواهی و حقیقت‌جویی او را می‌رساند. تا جایی که نقل شده وی پس از برنگشتن از آیین اسلام، در حالی که می‌توانست با پیش‌نهاد قیصر روم دوباره قدرت را در شهر روم به دست گرفته و زندگی را در کمال خوشی سپری کند، به همهٔ مطامع دنیوی پشت پا زد؛ در نتیجه قیصر روم مدتی او را زندانی کرد و سپس او را به قتل رساند و بر دار آویخت.^۴

۱. ابن‌سعد، طبقات، ترجمهٔ مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲. شیخ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۳۵۸.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۳، ص ۴۰۸.

۴. ابن‌سعد، طبقات، ترجمهٔ مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۲۶۷.

اینک به نام تعدادی از این سران اشاره می‌نماییم:

- نجاشی پادشاه حبشه؛

- فروقه بن عمر، فرماندار عمان؛

- اکید بن عبدالملک، پادشاه قبیله کنده در دومة الجندل^۱؛

- ملوک حمیر که عبارت‌اند از: حارث بن عبد کلال، نعیم بن عبد کلال و نعمان^۲؛

- اصبع بن عمرو و کلیبی، رئیس منطقه دومة الجندل^۳.

در بعضی از اخبار حتی به تحت تاثیر قرار گرفتن قیصر، پادشاه روم و فرستادن پیامی مبنی بر پذیرش اسلام نزد پیامبر ﷺ اشاره شده و ترس از جان و از دست رفتن حکومت، علت عدم اظهار عمومی وی قلمداد گردیده است.^۴

در مورد ایمان سران مذهبی و علمی مسیحیان نیز می‌توان از - عاقب و سید - دو نفر از علمای بزرگ و مورد احترام مسیحیت نام برد.

در میان سایر مسیحیان نیز می‌توان به افرادی همچون مری پرده‌دار رومی ابوشمر غسانی، عدی بن حاتم، جارود بن عمر، عداس غلام نصرانی عتبه و شیبه اشاره نمود. البته گاهی نیز از گروه‌های مختلف مسیحی که به اسلام گرویده‌اند، نام برده شده که به بیان آن می‌پردازیم:

- جارود به اتفاق دیگر نمایندگان که از طرف عبدالقیس آمده بودند^۵؛

- اصبع بن عمرو کلیبی اسلام آورد. از قوم او نیز انبوهی با او اسلام آوردند^۶؛

- ایمان آوردن ۴۰ نفر از نجران، ۳۰ نفر از حبشه و ۸۰ نفر از روم.^۷

برخورد پیامبر ﷺ با اهل کتاب

هیاهوی مشرکان و تحمیل جنگ‌ها و مشکلات فراوان بر پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان و نیز به کارگیری استراتژی‌های مختلف و برخوردهای زشت و زنده

۱. واقدی، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۳، ص ۷۸۵.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۴۴.

۳. ابن سعد، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۸۷.

۴. رک: علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۲.

۵. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۳۰.

۶. ابن سعد، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۸۷؛ واقدی، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۴۲۵.

۷. ابن جوزی، زاد المسیر، ج ۲، ص ۷۵.

گروه‌هایی از اهل کتاب هیچ‌گاه محمد ﷺ را از وظیفه خطیر خود در هدایت و ارشاد آنان باز نداشت و ایشان همواره برای هدایت آنها تلاش می‌کرد. در حقیقت از سویی اعتقادات سست و باطل اهل کتاب و از سوی دیگر رساندن پیام نجات‌بخش اسلام به جامعه بشری می‌طلبد تا حضرت محمد ﷺ با تبیین پیام والای اسلام برای جامعه اهل کتاب، عقاید پوشالی و تهی از معرفت‌شان را بر ملا سازد. با نگاهی به مفاهیم آیات قرآن درباره اهل کتاب، توجه اسلام را در زیر سؤال بردن باورهای نادرست آنان و تبیین پیام والای اسلام درمی‌یابیم؛ برای مثال می‌توان به ابطال قضیه تثلیث در قرآن کریم اشاره نمود. اینک در این بخش با اشاره‌ای کوتاه به سه مقوله گستره دعوت رسول خدا، تلاش رسول خدا در دعوت اهل کتاب و نیز تبیین استراتژی برتر رسول خدا بحث را پی می‌گیریم.

گستره دعوت رسول خدا ﷺ

بی‌تردید یکی از علل تأکید فراوان پیامبر اکرم ﷺ بر مبعوث شدن برای همه جوامع بشری پرسش‌های تعدادی از مردم در این زمینه و نیز اعتقاد گروهی از یهودیان به برانگیخته شدن محمد برای غیر یهود می‌باشد. شواهد اثبات این مسئله به اندازه‌ای فراوان است که بیان آن مجال دیگری را می‌طلبد، ولی برای نمونه می‌توان به خطاب‌های عام قرآن کریم، نامه‌های فراوان پیامبر به سران ممالک و ... اشاره نمود.

تلاش‌های رسول خدا ﷺ در دعوت اهل کتاب

تلاش‌های فراوان محمد ﷺ در دعوت اهل کتاب و همچنین استفاده از تمامی فرصت‌ها برای تبلیغ اسلام در میان آنان اهتمام جدی پیامبر اسلام به این موضوع را نشان می‌دهد. کارشکنی‌ها و سنگ‌اندازی‌های اهل کتاب به‌ویژه یهودیان، هیچ‌گاه پیامبر ﷺ را از تلاش خستگی‌ناپذیر باز نداشته و آن حضرت زخم زبان‌ها و مرارت‌های بسیاری را در این راه تحمل نمود. برای نمونه، زمانی که یکی از یاران پیامبر به دشنام یهودیان پیامبر اشاره نمود، حضرت در پاسخ فرمود: موسی عليه السلام از یهودیان به مراتب

بیش از این آزار دید!.

اینک برای بیان تلاش چشم‌گیر پیامبر ﷺ و سعی در هدایت و ارشاد اهل کتاب به یادکرد خبری بسنده می‌نمایم که اهتمام شدید پیامبر به این مسئله در آن نمایان است. نقل شده است وقتی که رسول خدا برای جنگ به سوی وادی القری رفت، یهودیان آن دیار را به اسلام دعوت کرد ... در این موقع مردی از آنان به میدان آمد و زبیرین‌عوام به مقابله با او شتافت و او را کشت، سپس مرد دیگری به میدان آمد ... به طوری که پیامبر یازده نفر از یهود را کشت و هرگاه یکی از آنان کشته می‌شد، بقیه را به اسلام دعوت می‌نمود. در این هنگام وقت نماز رسید. پیامبر با یاران خود نماز خواند و پس از آن همچنان یهودیان را به سوی خدا و رسولش دعوت می‌نمود.^۱ فرستادن مبلغانی برای دعوت اهل کتاب به اسلام از دیگر تلاش‌های پیامبر در راستای هدایت اهل کتاب می‌باشد.^۲

استراتژی برتر رسول خدا ﷺ در دعوت اهل کتاب

با مروری بر سیره تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ در خواهیم یافت که آن حضرت برای هدایت و ارشاد جامعه بشری، یکی از موفق‌ترین و کارآمدترین برنامه‌های موجود را اجرا کرده و کارنامه درخشانی از خود بر جای نهاد. رسول خدا ﷺ در راستای دعوت اهل کتاب نیز از تمامی ظرفیت‌های موجود بهره جست و اقدام‌های بسیاری را به کار بست. اینک به بیان برخی از استراتژی‌های مهم پیامبر اکرم ﷺ در دعوت اهل کتاب می‌پردازیم:

۱. ایجاد فضای باز مناظره‌ای

آیینی که آرمان‌های بلند و پیام نجات بشر را در خود دارد، نه تنها از رویارویی با دیگران نمی‌هراسد، بلکه بسترهای شکل‌گیری گفت‌وگو و تعامل را فراهم می‌سازد، تا پیام خود را به گوش دیگران برساند. بی‌تردید پیامبر اکرم ﷺ با احترام به حقوق اقلیت‌ها در تعاملی که حضور آنان در جامعه اسلامی ایجاد می‌کرد، برای هدایت و راه‌یابی آنان به سوی سعادت گام برمی‌داشت و زمینه‌های آشنایی آنان با آیین اسلام

۱. ابن‌سعد، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۷۵.

۲. واقدی، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، ص ۵۴۲.

ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۶۴.

را فراهم می‌ساخت. او از یک سو با حضور در میان اهل کتاب پیام اسلام را برای آنان تبیین می‌نمود و از سوی دیگر پذیرای هر گروهی بود که از اطراف و اکناف عالم برای گفت‌وگو و ایجاد ارتباط می‌آمدند. در حقیقت دامنه فضای باز مناظره تا آنجا وسعت داشت که حتی این شرایط برای گروه‌هایی که برای به چالش کشیدن پیامبر سعی در ایجاد ارتباط داشتند، نیز فراهم بود و پیامبر اکرم ﷺ با آرامش و بردباری به پرسش‌های آنان پاسخ می‌داد.

۲. رعایت ارکان تبلیغات

کیفیت تبلیغات نسبت به کمیت آن از اهمیت بیشتری برخوردار است و پرسش‌های رعایت آن نتایج مثبت و ارزنده‌ای را در پی خواهد داشت. ارزش این مسئله به اندازه‌ای است که خداوند متعال بارها بر استفاده از روش‌های صحیح انتقال پیام تأکید ورزیده است: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾^۱ «با حکمت و اندرز نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت نما، و با آنان به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن...».

مروری بر سیره تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ توجه ویژه آن حضرت به چگونگی امر تبلیغ را آشکار می‌سازد، تا جایی که می‌بینیم حضرت محمد ﷺ به عنوان مبلغ تعالیم والای اسلام همه ویژگی‌های یک مبلغ نمونه، مانند تقوا، عمل صالح، صبر و استقامت، تواضع و عدم برتری‌جویی، عفو و گذشت، الفت و مهربانی، خیرخواهی، شجاعت و ... را دارا بود و با تمام وجود در مسیر هدایت جامعه اهل کتاب گام برداشت. برخورد پیامبر اکرم ﷺ با عدی بن حاتم مسیحی که در سال عام الوفود نزد آن حضرت آمد، عملکرد فوق‌العاده پیامبر در جهت تأثیرگذاری پیام اسلام در عدی بن حاتم را می‌نمایاند، چنانکه نقل شده است: «پیامبر او را به خانه برد و برای او تشکی از لیف خرما گسترد و فرمود: روی آن بنشین. آن‌گاه خود روی زمین نشست و اسلام را بر وی عرضه کرد و عدی مسلمان شد.»^۲

از سوی دیگر همان‌گونه که خداوند متعال مسلمانان را به استفاده از برترین شیوه در مجادله با اهل کتاب دعوت نموده است ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ

۱. نحل ۱۲۵.

۲. ابن‌سعد، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، صص ۳۱۰ و ۳۱۱.

أَحْسَنُ...^۱؛ «با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید»، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز شیوه‌های صحیح تبلیغات را مد نظر داشته و به بهترین روش به هدایت و ارشاد اهل کتاب پرداخته است. مدارا و ملایمت با اهل کتاب، برخورد حکیمانه با آنان و نشان دادن منطق قوی و مستدل اسلام در سیره پیامبر به خوبی قابل مشاهده است. توجه به تدریجی بودن دعوت در سیره پیامبر قابل مشاهده است. نقل شده هنگامی که آن حضرت معاذبن جبل را برای تبلیغ اهل کتاب فرستاد، او را این‌گونه مورد خطاب قرار داد: «ای معاذ! تو نزد گروهی از اهل کتاب می‌روی، از این رو باید نخستین دعوت تو از آنان یکتاپرستی خداوند متعال باشد. اگر توحید را شناختند، به آنان بازگو که خداوند متعال در شبانه روز پنج نماز بر آنان واجب کرده است. هرگاه نماز را بر پا داشتند به آنان بگو که خداوند در اموالشان...»^۲.

۳. استفاده از بشارت‌های تورات و انجیل

اگر چه تورات و انجیل در طول قرن‌های متمادی بازیچه دست اهل کتاب گردیده و دچار تحریفات بسیاری شده است، اما آگاهی اهل کتاب از ظهور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که از بشارت‌های این دو کتاب مقدس می‌باشد، در منابع مختلف به ویژه در قرآن کریم آمده است. وجود این بشارت و اعتراف گروهی از اهل کتاب به این مسئله دست‌مایه‌ای شد تا رسول مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مطرح ساختن این مسئله، حقانیت دعوت خویش را اثبات نموده، در مسیر هدایت آنان گام بردارد. اشاره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این نکته در نامه‌ای که به یهود خیبر نوشت، گواه این ادعاست: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... ای گروه یهود و پیروان تورات! همانا خداوند متعال به شما فرموده و خود هم در کتاب‌هایتان خوانده‌اید که (محمد رسول خداست...) من شما را سوگند می‌دهم به خدای یگانه و به آنچه بر شما فرود آمده و به آن خدایی که «مَنْ و سلوی» را بر شما نازل فرمود و... به من اطلاع دهید آیا در کتابی که بر شما نازل شده، خوانده‌اید که به شما دستور داده شده به محمد ایمان آورید یا نه؟».

۴. ابطال احکام اهل کتاب و مطرح ساختن پیام والای اسلام

اشاره‌های فراوان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ابطال عقاید اهل کتاب و نشان دادن استدلال‌های محکم، منطقی و مستدل اسلام در برابر آنان یکی از استراتژی‌های مهم

۱. عنکبوت/۴۶.

۲. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۶۴.

آن حضرت در دعوت اهل کتاب می‌باشد.

گرایش مسیحیان به تثلیث و نیز اعتقاد قوم یهود به اینکه عزیر پسر خداست، یکی از بارزترین مواردی است که نه تنها پیامبر اکرم ﷺ به ابطال آن‌ها همت گماشت، بلکه در قرآن کریم نیز به زیبایی مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

در واقع اسلام، آیین اهل کتاب را به هیچ وجه پذیرفتنی ندانسته^۱ و پیامبر اکرم ﷺ در سخنان خویش آنان را از عذاب دردناک الهی برحذر می‌داشت^۲.

روزی پیامبر اکرم ﷺ دست‌های خود را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَدَّ غَضَبَهُ عَلَى الْيَهُودِ أَنْ قَالُوا: عَزِيرُ ابْنِ اللَّهِ وَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى أَنْ قَالُوا الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ»^۳ و یا نقل شده هنگامی که از ایشان درباره دین نصاری سؤال شد، فرمود: «لَا خَيْرَ فِيهِمْ وَ فِي دِينِهِمْ»^۴.

اسلام آوردن گروه‌هایی از اهل کتاب پس از شنیدن پاسخ سؤالاتشان از پیامبر اکرم ﷺ درباره اسلام، از توجه آن حضرت به تبیین حقایق ناب و پرمحتوای پیام اسلام حکایت می‌نماید.

البته افزون بر موارد یادشده، راه‌کارهای دیگری نیز توسط پیامبر برای هدایت جامعه اهل کتاب مورد استفاده قرار گرفت که می‌توان به نابودسازی اشکال صلیب‌گونه در خانه توسط پیامبر و نیز مشروط کردن صلح در نشست با نمایندگان تغلب بر اجبار نکردن فرزندان‌شان بر پذیرش آیین مسیحیت - که یقیناً سدی در برابر فعالیت‌های تبشیری آنان بود - اشاره نمود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. الاب لويس شيخو، النصرانية و آدابها بين العرب الجاهلية، منشورات دار المشرق، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۸۹.
۳. ابن اثیر، اسد الغابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان، بی تا.
۴. ابن جوزی، زاد المسیر، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۷.
۵. ابن خلدون، تاریخ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱. آل عمران/۸۵.

۲. ر.ک: ابن هشام، السیرة النبویة ﷺ، ج ۲، ص ۱۶۵.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۳۵.

۴. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۱، ص ۴۰۲.

۶. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، تابستان ۱۳۷۴.
۷. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع، لبنان، بیروت ۱۴۱۵.
۸. ابن هشام، السیرة النبویة ﷺ، بیروت.
۹. آرنولد توبن بی، تاریخ تمدن، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات مولی، ۱۳۶۳.
۱۰. اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۱. بخاری، صحیح بخاری، دارالفکر، لبنان، بیروت ۱۴۰۱ هـ.ق.
۱۲. بیهقی، السنن الكبرى، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۱۳. جواد علی، المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، منشورات شریف رضی.
۱۴. حسین زاده، محمدعلی، سیری در مکتب یهود، شرکت انتشارات کیهان، ۱۳۸۳.
۱۵. زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
۱۶. سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، مسیحیت، انتشارات زلال کوثر، ۱۳۸۱.
۱۸. سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۴.
۱۹. شهرستانی، الملل و النحل، چاپ سوم، منشورات شریف رضی، قم.
۲۰. شیرازی، سیدمحمدشیرازی، دنیا باز چه یهود، ترجمه سیدهادی مدرسی، انتشارات امام صادق (ع).
۲۱. طبرانی، المعجم الكبير، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۲. طبرسی، مجمع البیان، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۵.
۲۳. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵.
۲۴. _____، تاریخ الرسل و الملوك، مؤسسة الاعلمی.
۲۵. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹.
۲۶. عبد الاحد داوود، محمد در تورات و انجیل، نشرنو، ۱۳۶۱.
۲۷. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم ﷺ، چاپ چهارم، بیروت، دار الیهادی، دار السیرة، ۱۴۱۵.
۲۸. المغربی، قاضی نعمان کوفی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۹.
۲۹. المیسری، عبدالوهاب، دائرة المعارف یهود - یهودیت - صهیونیسم، دبیرخانه کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضة فلسطين، ۱۳۸۳.
۳۰. نسائی، السنن الكبرى، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱.
۳۱. واحدی نیشابوری، اسباب نزول الآیات، مؤسسة الحلبي و شرکاه، القاهرة، ۱۳۸۸.
۳۱. واقدی، مغازی، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۳۲. هیشمی، مجمع الزوائد، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۸.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، دار احیاء، بیروت.